

## واکاوی نظم مکنون مدیریت قدرت در تولید متن / فضا از منظر گفتمان انتقادی (مورد پژوهی: محله اسلام‌آباد شهر زنجان)

ابوالفضل مشکینی\* - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران  
محسن احدنژاد روشتی - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران  
سعید نجفی - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران

تأیید مقاله: ۱۴۰۰/۰۳/۱۹

پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۱۸

### چکیده

امروزه مدیریت قدرت در تولید متن / فضا دلالت بر شکل‌گیری نظمی است که با انتقاد همراه است؛ زیرا نظم شکل‌یافته بر حقیقتی متفاوت از نظم آشکار دلالت دارد. این امر به‌ویژه در سکونتگاه‌های مسئله‌دار به‌عنوان نوعی سکونتگاه غیررسمی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا این سکونتگاه‌ها تجسم عینی نظم نهادهایی هستند که تحت مناسبات قدرت حقایق را آشکار نمی‌کنند؛ از این‌رو هدف پژوهش حاضر واکاوی نظم مکنون مدیریت قدرت در تولید متن / فضا در سکونتگاه‌های مسئله‌دار با رویکرد گفتمان انتقادی در محله اسلام‌آباد شهر زنجان است. پژوهش حاضر کیفی و از نوع واکاوی است. به‌منظور گردآوری داده‌ها از مشاهده مشارکتی، مصاحبه ساخت‌نیافته از ساکنان و جامعه متخصصان در قالب پنل دلفی استفاده شد. برای شناخت نظم حاکم بر تولید متن / فضا در محدوده مورد مطالعه از آزمون t تک‌نمونه‌ای و کشف متغیرهای مکنون از آزمون تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد مطلوبیت بعضی از متغیرهای حقوق فضا در تجربه زندگی ساکنان محله اسلام‌آباد، به‌دلیل بافت موقعیتی و دسترسی به خدمات اولیه است. شاخص‌های مؤثر در نظم تولیدشده متن / فضا در محله اسلام‌آباد در ۸ طبقه تقسیم‌بندی شده که حقوق شهروندی با ۱۹/۹ درصد بیشترین تأثیر را در میان عوامل داشته است. همچنین تقابل ساختارهای زبانی سکونتگاه‌های مسئله‌دار در متن شهر با مفاهیم متفاوتی معنا شده است که آمال و خواسته‌های ساکنان را به نمایش می‌گذارد. پیام ناشی از این محله‌ها در متن شهر عمدتاً پذیرش سرنوشتی متفاوت با نظم آشکار است؛ فضاهایی که با فقر و نبود آگاهی شناخته شده و تلاش تحمیل‌گران برای طبیعی‌شوندگی و سرنوشت ابدی این سکونتگاه‌هاست؛ سرنوشتی که در سایه ایدئولوژی بازیگران مسلط در شرایطی مانند رکود اقتصادی، افزایش قیمت‌ها، بیکاری، ضعف در دسترسی به خدمات، رفع نیازهای اساسی و کاهش عدالت اجتماعی به افزایش فقر و عقب‌ماندگی ساکنان این فضاها منجر می‌شود.

واژه‌های کلیدی: تولید متن / فضا، گفتمان انتقادی، مدیریت قدرت، محله اسلام‌آباد، نظم مکنون.

## مقدمه

شهرنشینی فرایندی است که طی آن جمعیت در مناطق شهری در مقایسه با مناطق روستایی افزایش می‌یابد که این امر به تغییر در کاربری زمین و تبدیل الگوی سازمان و دولت از روستا به شهری منجر می‌شود. این تمرکز جمعیت در مناطق شهری نتیجه‌ی جدیدی از تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است (WB, 2015)؛ از این رو کشورهای جهان جنوب توانسته‌اند مزایای شهرنشینی را به حداکثر برسانند؛ زیرا سرعت رشد از ظرفیت نهادی برای تحول زیرساخت‌ها فراتر می‌رود (UN, 2014; UN, 2017a; UN-Habitat, 2016)؛ در نتیجه دانشمندان فرایند شهرنشینی را در جهان جنوب تحت عنوان «بیش‌ازحد شهرنشینی» (Hoselitz, 1957) و «شبه شهرنشینی» (Desmond, 1971) می‌نامند (Jain & Korzhenevych, 2020: 1). به دنبال این مورد، تصدیق دوجانبه‌ای رواج پیدا کرد که براساس برای درک چالش‌های جدید و عمده شهرنشینی در جهان جنوب، نیازی به چارچوب‌های تئوریک و روش جدید وجود دارد (Roy, 2009a; Brenner & Schmid, 2015; UN-Habitat, 2016; Storper & Scott, 2016). همچنین نیاز به دور شدن از برنامه‌ریزی‌های سبک استعمار سنتی به سمت رویکردهای جدید برای پاسخ‌گویی به نیازهای جهان جنوب است (Clarke, 1992; Watson, 2009b; Todes, 2012).

این تفاسیر گسترش شهرنشینی در جهان جنوب، نظم متفاوتی بر فضا غالب کرده است که محصول مدیریت محلی و جهانی بوده و بر آن تأثیر گذاشته است؛ به‌ویژه اینکه فضای شکل‌یافته برآیند نهادهایی است که جهت‌دهی، میزان و شدت آن تحت عامل بازیگران و نهادهای تصمیم‌گیر تنظیم، مدیریت و کنترل می‌شود (لشگری تفرشی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۲). به تعبیر لوفور، فضایی که در آن دولت و طبقه بورژوا بر روابط تولید جامعه مسلط هستند و نظم ناشی از آن متفاوت‌تر از فضایی است که تجربه مستقیم هرروزه ساکنان را نمایش می‌دهد و اصطلاحاً فضای زیسته تلقی می‌شود (Merrifield, 2006: 110). در این فضاها نه‌تنها بازنمودهای فضایی قدرت را می‌یابیم، بلکه قدرت فضایی تحمیلگر و اجرایی نیز در همین فضا وجود دارد و حوزه ارضی برای ایجاد «ضد فضاها»، فضاهای مقاومت علیه نظم مسلط از قسمت‌های پایین‌تر (حاشیه‌ای یا کنارهای) از این فضاها برمی‌خیزند (جوان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲). این نوع فضاها در جغرافیای کشورها با مفاهیم مختلفی شناخته می‌شوند. سکونتگاه‌های مسئله‌دار نوعی از فضاهای زیسته هستند که با نظم جدیدی در شهرهای کشورهای درحال توسعه تثبیت شده‌اند. تراکم بالای جمعیت، رواج اشتغال غیررسمی، مسکن نامناسب، محرومیت، ناآگاهی، فقر قدرت و غیره از جمله ویژگی‌های منحصربه‌فرد این سکونتگاه‌ها هستند که آن‌ها را به مرکز مناسبات قدرت، تجربه عینی روابط و ایدئولوژی بازیگران مختلف تبدیل کرده است. به نظر می‌رسد در این فرایند آنچه مسلم است تسلط پرکتیس فضایی دولت و مدیریت محلی در قالب گفتمان هژمونیک مداخله‌جویانه در مقابل پرکتیس‌های اجتماعی این سکونتگاه‌ها باشد که سبب نابرابری، سوءاستفاده از قدرت و سلطه می‌شود. در این راستا آنچه این تسلط را به چالش می‌کشد و در قالب مفاهیم زبان‌شناختی اعمال بازیگران را به نمایش می‌گذارد، رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی است (Van Dijk, 1991: 352). این تحلیل به‌عنوان گفتمانی نوپا، به دنبال مواضع رویکردهای ایدئولوژیکی و سیاسی بازیگرانی است که فضا را شکل داده‌اند. این رویکرد رابطه زبان، قدرت، ایدئولوژی و گفتمان را در اولویت قرار می‌دهد و به ما می‌گوید این سکونتگاه‌ها دو نظم متفاوت دارند. «بودن» در سایه شهر آنچه دولت و مدیریت شهری خواهان آن است در قالب «مجاورت بی‌معنا» معنا شده که عمدتاً مردمانی بدون قدرت و منزلت اجتماعی تلقی می‌شوند؛ درحالی‌که «بایستی‌بودن» این فضاها، بازتولید مجاورتی ارزشمند و نیازمند آگاهی از دانش و قدرت خودمدیریتی در متن/ فضاست؛ بنابراین هدف این پژوهش واکاوی نظم حاضر بوده و در راستای هدف مزبور،

ارتباط میان قدرت و مؤلفه‌های متن‌بودگی در سکونتگاه‌های مسئله‌دار بررسی خواهد شد. در ارتباط با محله اسلام‌آباد به‌عنوان نمونه موردی می‌توان گفت محله اسلام‌آباد از فرایند تکوین متن شهر، با تغییرات ناگهانی و شتاب‌زده، تخریب‌های بولدوزری و از میان رفتن بخشی از واژگان و ارتباط فضایی بین آن‌ها مواجه بوده است، اما این محله تنها نمونه موفق از سکونتگاه‌های مسئله‌دار است که توانست از حاشیه به متن تبدیل شود. هدف از رشد چنین محله‌ای سکونت افراد فقیر و روستایی بوده و به‌دلیل موقعیت خاص به منطقه‌ای مطلوب برای دادوستد تبدیل شد، اما باز کمبودی وجود دارد که با توجه به اینکه اصولی و برنامه‌ریزی شده بنا نشده باز هم در حاشیه متن قرار می‌گیرد.

## مبانی نظری

### مفهوم مدیریت قدرت در تولید نظم متن / فضا

بنا بر اظهار فوکو، قدرت چیزی نیست که به‌دست آید یا تصرف شود. همچنین چیزی نیست که درون یک فرد واقع شده بوده یا نهادی مرکزی باشد که از بالا به پایین فعالیت کند، بلکه از طریق روابط بین مردم، گفتمان و دنیای مادی انجام و اعمال می‌شود. همیشه در همه‌جا فعالیت می‌کند و در هر تعامل و نهاد اجتماعی نهفته است (Melissa N.P & McLean, 2020: 378). با این مفهوم، قدرت یک مفهوم انتزاعی است که به‌عنوان مترادف مفهوم «نفوذ» استفاده می‌شود (Johnston, 1981: 629). آنچه مسلم است کسانی که قدرت بیشتری دارند، از کنترل بیشتری بر سازمان جامعه و تخصیص منابع برخوردارند (Pacione, 2001: 640)، اما اهمیت قدرت در تولید واقعیت خاستگاه گوناگونی دارد؛ زیرا کیفیت مختلف روابط قدرت در دوره‌های گوناگون سبب تولید واقعیت‌های متفاوتی شده است. به باور فوکو «قدرت واقعیت را تولید می‌کند؛ قدرت حوزه‌هایی از ابره‌ها و آیین‌های حقیقت را تولید می‌کند» (فوکو، ۱۳۷۸: ۲۴۲). ایدئولوژی به‌عنوان نرم‌افزار قدرت شامل مجموعه‌ای از اندیشه‌هایی است که از سوی یک طبقه یا گروه اجتماعی مسلط برای نظم‌بخشی و ایجاد مشروعیت به‌کار می‌رود. از این منظر ایدئولوژی با قدرت ارتباط پیدا می‌کند و اجرای هر روشی به‌طور قطع مبنای ایدئولوژیک دارد (لشگری تفرشی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۴). به باور فرکلاف ایدئولوژی عبارت است از «معنا در خدمت قدرت». به عبارت دقیق‌تر، ایدئولوژی‌ها از نظر وی برساخته‌هایی معنایی هستند که به تولید، بازتولید و دگرگونی مناسبات سلطه کمک می‌کنند (Fairclough, 1995b: 14).

فوکو معتقد است محمل مفاهیم انتزاعی چون قدرت و ایدئولوژی فضا است که در درجه اول جایی است که گفتمان‌های قدرت و دانش به مناسبات واقعی تبدیل می‌شوند؛ بر همین اساس به تعبیر فوکو «فضا در هر شکلی از زندگی اجتماعی مقوله‌ای بنیادین است؛ چراکه فضا اساس هر اعمال قدرتی است» (Foucault, 1986: 252). فضایی که به تعبیر لوفور فضای محسوس تلقی می‌شود و نشانگر تولیدات مادی و فضاگونگی اجتماعی است و فضای مسلط در هر نوع جامعه‌ای بوده که به نحوی درونی و ذاتی به روابط تولید و نظم آن روابط متصل است (Merrifield, 2006: 110). در این نوع از فضا دو عامل اساسی، یعنی اقتصاد و دولت بر جهت‌دهی به فضایی که بیانگر صورت‌های عقلانی رفتار و کنش افراد است تأثیر دارند. اقتصاد از دو طریق فضا را از آن خود می‌کند (جوان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱-۱۷). اول کالایی‌کردن فضا که تنها به ارزش اقتصادی و مبادلاتی زمین توجه دارد و آن را تنها به‌مثابه کالایی ارزشمند و سودده می‌بیند. دوم اینکه کالایی‌کردن از طریق فضا شامل استقرار گروه‌های خاص اقتصادی و کاربری‌های مشخص درون فضا است که سبب از بین رفتن و به حاشیه رانده‌شدن سایر خاصیت‌های فضایی مانند ویژگی‌ها و ظرفیت‌های اجتماعی و

فرهنگی می‌شوند. این کاربری با جذب چرخه‌های مختلف سرمایه به‌ویژه سرمایه مالی به این فضاها، سبب تشدید جریان کالایی کردن از طریق فضا می‌شود (Gregory, 1994: 408). دولت نیز به‌عنوان یکی از نیروهای مؤثر در تولید فضا، به دو شیوه بر فضا اعمال قدرت می‌کند و بر امکان شکل‌گیری آگاهی فضایی و دستیابی به حقوق شهری تأثیر می‌گذارد: نخست اینکه از طریق تعیین طرح‌ها و برنامه‌های اجرایی برای عناصر قدرت در قالب کاربری‌های متعدد فضا را بوروکراتیزه می‌کند (Gerygory, 1994 به نقل از جوان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳). دوم اینکه با ایجاد فضاهای مراقبتی و تحت نظارت میزان و چگونگی حضور افراد را در فضاها کنترل می‌کنند. این نوع از ایدئولوژی مانند «اندیشه بر فضا» تلقی می‌شود و به‌معنای اندیشه‌ای است که فضاگردانان برای مدیریت و برنامه‌ریزی در یک فضا اجرا می‌کنند (صادقی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۲). به‌زعم اندیشمندانی مانند لوفور، تولید فرم‌های فضایی و توزیع نابرابر ابزارهای تولید و سرمایه تنها یک روی سکه تولید فضاست؛ چراکه روی دیگر آن خلق فضای جدیدی است که به‌وسیله تغییر، جایگزینی و تصاحب مصدر قدرت به کمک نیروهای جدید، برای تغییر نظم قبلی صورت می‌گیرد. در این فرایند و بازساخت، مطیعان و مصرف‌کنندگان قبلی به تولیدکنندگان فضا تبدیل می‌شوند؛ به این معنا که استفاده‌کنندگان، فضا را تصاحب و آن را در تعقیب نیازهایشان و در جهت منافع خود از نو خلق می‌کنند. اگر این تغییرات به‌صورت عمیقی رخ دهد، فضایی جدید همراه با یک نظم فضایی-اجتماعی جدید برقرار شده و در نتیجه یک ساخت شکنی انتقادی در فضا میسر می‌شود (Habersack, 2010: 20).

این اندیشه، ایدئولوژی بسان «اندیشه در فضا» تلقی می‌شود؛ یعنی اندیشه‌هایی که در درون فضا توسط مردم به کار گرفته می‌شود. بازنمود چنین فضایی، فضای زیسته تلقی می‌شود که تحت تسلط سایر فضاهاست و به‌عنوان بودگاهی برای انواع ایدئولوژی‌ها و بازیگران به‌منظور نمایش قدرت، سلطه، مشروعیت و غیره است. این فضاها به‌طور مستقیم فضای تجربه هر روزه هستند، زبان آن‌ها، زبان ویژه، نمادها، تصاویر ساکنان و استفاده‌کنندگان نیست، بلکه ساده و خودمانی است (جوان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲). نقطه مشترک این دو فضا شکل‌گیری یک حق و نظم است که محصول اندیشه بر فضا و بازتولید اندیشه در فضا است. تقابل این دو نظم معمولاً نشان‌دهنده سازگاری نیست و به حقوق ساکنان کمتر توجه می‌شود. براساس مؤلفه‌های حق به شهر هانری لوفور، نظم حاصل از تولید فضا توسط مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی مانند شاخص‌های زیر تحقق می‌یابد: مشارکت شهروندان در فرایند برنامه‌ریزی، تضمین دسترسی و نظارت شهروندان بر فرایند برنامه‌ریزی و مدیریت شهری و بهره‌گیری از نظرات آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها، توزیع عادلانه منابع شهری و کاربری زمین برای دسترسی همگانی به مسکن و کار فعالیت و بهداشت و آموزش، حمل‌ونقل عمومی و فضای عمومی و اوقات فراغت، فراهم‌آوردن شرایط استاندارد زیست برای افراد و تضمین دسترسی شهروندان کم‌درآمد به مسکن مناسب، توجه به افراد به حاشیه رانده‌شده، تضمین حضور شهروندان از طبقات اجتماعی و منزلتی متفاوت و دسترسی عادلانه به فضاهای عمومی با اختصاص پهنه‌های ویژه برای امور اجتماعی دعوت‌کننده در شهر (اطهاری، ۱۳۹۰). عنصر اصلی این حقوق تلاش برای بیگانگی‌زدایی فضا و بازیکپارچه‌سازی آن در شبکه ارتباطات اجتماعی است. در اندیشه لوفور عنصر بنیادین برای دستیابی به حقوق شهری به‌عنوان یکی از ضرورت‌های زیستی-حقوقی در شهر، بیش از هر چیز، توانایی پس‌زدن نیروهای کنترل‌گر فضاهای شهری در فرایند تولید و بازتولید فضا و به‌دنبال آن تبدیل کردن شهر به عرصه‌ای برای عمل و رسیدن به خوداداره‌گری در زندگی شهری است (تقوایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۸).

### پیوند گفتمان انتقادی و مدیریت قدرت در تولید نظم متن / فضا

از دهه‌های گذشته به بعد، کاربرد تحلیل گفتمان انتقادی در طیف وسیعی از مطالعات دوباره به وجود آمده است (Bloor & Bloor; 2007; Bayram, 2010; Jahedi, & Abudullah, 2012; Parham, 2013; Koussouhon & Dossoumou, 2015; Koussouhon & Amoussou, 2016). تحلیل گفتمان رویکردهای میان‌رشته‌ای است که می‌تواند برای کشف بسیاری از مشکلات اجتماعی در انواع مختلف مطالعات استفاده شود (Jorgensen and Philips, 2002: 12); یعنی تحلیل گفتمان می‌تواند در همهٔ زمینه‌های تحقیق با یک روش تجزیه و تحلیل ذاتی با مبانی نظری و روش‌شناختی آن اعمال شود (Amoussou & Allagbe, 2018: 12). قدرت یکی از مفاهیمی است که در این رویکرد تأثیر بسزایی دارد، اما امروزه بحث از مدیریت قدرت در تولید متن / فضا نشان از تسلط گفتمانی است که به ایجاد سلطه بر فضا کمک می‌کند؛ به‌ویژه در تقابل گفتمان «اندیشه بر فضا» و «اندیشه در فضا» تسلط غالب و مغلوب به نحو چشمگیری نمایش داده می‌شود. چنانچه تقابل این گفتمان‌ها سبب کژی‌های اجتماعی، تقابل گروه‌های قدرتمند و بدون قدرت شود، به انتقاد از گفتمان غالب می‌انجامد؛ انتقاد از اندیشه‌ای که سوءاستفاده از قدرت، فریب، نبود آگاهی، فقر و غیره را سبب می‌شود و ماحصل آن طبیعی‌شوندگی کاربران از فضا است. تحلیل گفتمان انتقادی رویکردی نوپا و آگاهی‌دهنده به کاربران فضا است. رویکردی که ماهیت آن فراتر از تولید متن / فضا تلقی می‌شود که به دنبال دستیابی به اهدافی چون ساخت روابط آشکار بین رویه‌های گفتمان، کردارهای اجتماعی و ساختار اجتماعی (Sheyolislami, 2004)، بررسی رابطه میان زبان و قدرت (Wodak, 2002: 6)، تغییر نابرابری‌ها، بی‌عدالتی‌ها، بیدادگری‌ها و نبود دموکراسی در جامعه با بررسی کردار اجتماعی از طریق تحلیل گفتمان و کنش‌های اجتماعی است (Bhatia, Flowerdew and Jones, 2007).

در این رویکرد، فضا و متن به‌مثابهٔ مفهومی یکسان، تسلط ایدئولوژی قدرتمند را در قالب مفاهیم زبانی نمایش می‌دهند که مانع آگاهی از حقوق فضا شده است. شکل‌گیری آگاهی به حقوق متن / فضا در گرو شناخت ویژگی‌هاست که عبارت‌اند از: پیوستگی<sup>۱</sup>، انسجام<sup>۲</sup>، نیت یا هدف‌مندی<sup>۳</sup>، قبولی یا پذیرفتگی<sup>۴</sup> و پیام‌رسانی<sup>۵</sup> (شعله، ۱۳۹۰؛ آقاگل‌زاده و افخمی، ۱۳۸۳: ۹۷؛ 3: 1981; Beaugrande and Dressler). گفتنی است ملاک‌های متن / فضا را نباید هم‌ارزش تلقی کرد. در این میان به‌نظر می‌رسد دو عامل انسجام و پیوستگی از اهمیت بیشتری برخوردار هستند. به قول درسلر و بوگراند<sup>۶</sup> پیوستگی مربوط به نحوهٔ اتصال اجزای سطحی متن<sup>۷</sup> است؛ یعنی کلمات واقعی که می‌شنویم یا می‌بینیم، در توالی متقابل هستند. همچنین هالیدی و حسن<sup>۸</sup> پیوستگی را مجموعه منابع زبانی می‌دانند که هر زبان (غیره) برای پیوند بخشی از یک متن به متن دیگر تعریف می‌کند.

1 - Cohesion

2 - Coherence

3 - intentionality

4 - acceptability

5 - informativity

6 - Beugrande and Dressler

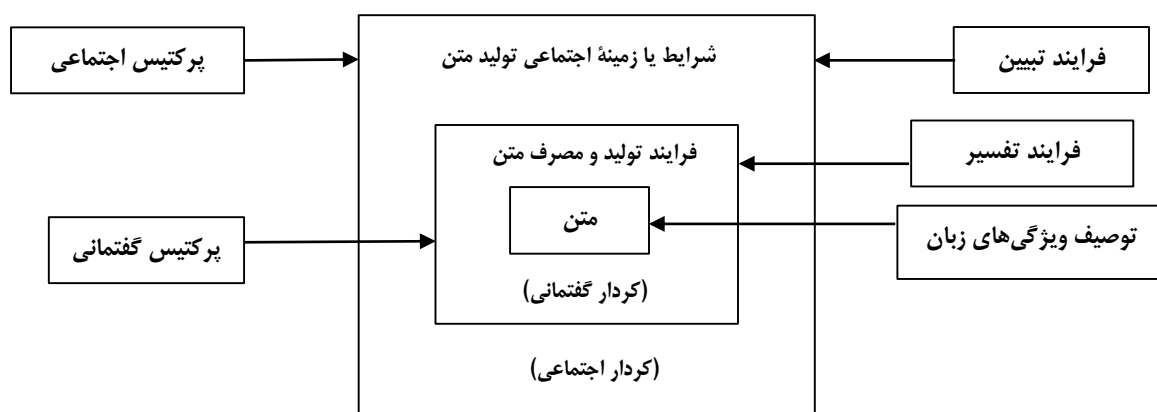
7 - Surface text

8 - Halliday and Hasan

بازخوانی مفهوم پیوستگی در فضا، بر پایه سازمان کالبدی و پیوند فضایی میان عناصر شاخص مجموعه، از طریق یک رشته عناصر ارتباط‌دهنده استوار است؛ به عبارتی دیگر می‌توان گفت وجود یک استخوان‌بندی تکامل‌یافته، بارز و واجد مقیاس در هم‌نشینی و ارتباط عناصر می‌تواند بهترین معیار سنجش پیوستگی عناصر در فضا باشد (شعله، ۱۳۹۰: ۲۴). هر آنچه از دید سازمان کالبدی بر متن محله اسلام‌آباد قابل‌رویت است شکل‌گیری بافت ریزدانه در استخوان‌بندی محله و عناصر پیوسته‌ای است که در فضا توزیع شده و شامل عناصر باارزشی (کاربری‌هایی) است که در سایه سلسله‌مراتب شبکه معابر در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. در این میان، کیفیت زمین (ریزدانگی) و عمر مفید بنای ساخته‌شده نیز از متغیرهای مؤثری هستند که بر کیفیت کاربری‌ها در فضا تأثیر می‌گذارند. انسجام متون دومین معیار متن / فضا است که به جنبه‌های معناشناسی شناخت متون اختصاص دارد (Beaugrande and Dressler, 1981). تحلیل انسجام به خواننده کمک می‌کند تا بتواند ارتباط محتوایی میان عناصر متن را بازشناسی کند (لاینز، ۱۳۸۳: ۶۰). می‌توان انسجام را در فضا، با برخورداری از تعداد قابل‌قبولی از عناصر پرمحتوا، معنادار و غیرتکراری مترادف دانست که در ترکیب با سایر عناصر، به‌نوعی تقسیم در نقش و عملکرد دست یافته و بارمعنایی خود، هم به‌صورت واحد معنایی مستقل در تکمیل گستره معنایی و محتوایی قرار گرفته‌اند (شعله، ۱۳۹۰: ۲۵). در محله اسلام‌آباد شامل ارتباط عملکردی عناصر ویژه (کاربری‌ها) نسبت به یکدیگر است. ارتباطی که میان کاربران و صاحبان فضا (برای مثال کاربری‌های مسکونی، تجاری و غیره) برای تأمین نیازهای انسانی ایجاد شده است. منظور از اصطلاح پیام‌رسانی یا اطلاع‌رسانی در مفهوم نظریه اطلاع، مقیاس انتظارداشتن یا نداشتن و آشنایی و ناآشنایی در عناصر متن است (Beaugrande and Dressler, 1981: 10).

به اعتقاد هالیدی و حسن، متن باید اطلاعات جدید داشته باشد و اگر خواننده اطلاعات جدیدی از متن کسب نکند، چنین متنی شایستگی متنیت ندارد (Halliday and Hasan, 1976: 36). بسیاری از برداشت‌هایی که در قالب روایت‌های مبتنی بر تحلیل‌های تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و غیره از فضا به‌دست داده می‌شود، در واقع بازتابی از همان پیام مستتر در فضا است. پیام‌رسانی در فضا، به دو عامل حضور عناصری با کیفیت و انباشت لایه‌ها و اندوخته‌های معنایی و محتوایی در نتیجه گذشت تدریجی و بطیء زمان بر فضا بستگی دارد (شعله، ۱۳۹۰: ۲۷). این ویژگی در محله اسلام‌آباد با پیام‌هایی همراه است که فضا را شایستگی می‌بخشند. چنانچه فضا متناسب با کیفیت زندگی ساکنان طراحی شده باشد، حامل پیامی مطلوب است و در غیر این صورت پیام ناشی از آن متفاوت خواهد بود و با ویژگی‌هایی مانند دوگانگی و تضاد، نگرش‌ها، وضعیت زمین، ابهام در سرنوشت، تعارض منافع، عقب‌ماندگی، نادیده گرفته‌شدن، ضعف نظارتی و نبود امنیت شناخته خواهد شد. نیت ناشی از علایق، نیازها و انتظارات کاربران زبان و تحلیل شرایط موقعیت بوده و هدف آن هدایت موقعیت است. معیار نیت در فضا نشان‌دهنده ارتباط با شرایط مداخله‌ها و دخل و تصرف‌هایی است که در فضا براساس ملاحظات، آیین‌ها، باورها و غیره معنا یافته است (همان: ۲۶). این ویژگی در محله اسلام‌آباد انتظارات کاربرانی است که به‌دلیل سکونت در آن برای آن‌ها ایجاد می‌شود. انتظاراتی فراتر از دسترسی به خدمات، مسکن

استاندارد، شبکه معابر مناسب و غیره به منظور تغییر دیدگاه‌ها به کاربران فضا. ویژگی‌هایی که به سبب سکونت در فضا برای خیر مشترک و نه منافع شخصی، تفاوت‌نداشتن در ادعا، عمل و فاصله‌هایی است که میان کاربران فضا حاکم می‌شود. پذیرفتگی پنجمین معیار متن / فضا است که به نگرش گیرنده متن مربوط می‌شود تا متنی پیوسته و منسجم را دریافت کند (Beaugrande and Dressler, 1981:8-9). به عبارت ساده‌تر، زنجیره‌ای از جملات را زمانی می‌توان «متن» نامید که مخاطب آن را به‌منزله متن بپذیرد. معنای پذیرفتگی در فضا به‌عنوان شناخت زبان غیرتخصصی شهروندان و مخاطبان فضا و تلاش برای ایجاد زبان مشترک بین دانش تخصصی و عامیانه است (شعله، ۱۳۹۰: ۲۷). این ویژگی به خصوصیات کاربران و غیرکاربران در فضا اشاره می‌کند. غیرکاربران فضا به‌سبب شناخت و ویژگی‌های آن، فضای تحقق‌یافته را قبول ندارند و کاربران به تجربه زیست در آن فضا سرنوشتی را پذیرفته‌اند و به‌کمک آن براساس ویژگی‌هایی سعی دارند با افزایش بهبودی، اعتماد جمعی، روحیه مشارکت، امید، ارزشمندی، مشروعیت و حس تعلق در فضا را به نمایش بگذارند. حال هدف این تحقیق واکاوی نظم حاصل در سکونتگاه‌های مسئله‌داری است که در متن شهر تولید شده‌اند. در فرایند تولید متن / فضا این سکونتگاه‌ها با توجه به ویژگی‌های منحصربه‌فرد خود در وضعیتی هستند که نشان‌دهنده تسلط گفتمان‌های قدرتمند است، اما آنچه مسلم است، ریشه‌داری این نوع از شکل‌گیری سکونتگاه‌ها در نتیجه چیدمان عناصر و واژگانی است که هریک در خود، واجد ویژگی بازترکیب عناصر است.



شکل ۱. مدل تحلیل گفتمان انتقادی از نظر فرکلاف

منبع: Fairclough, 1996

تحلیل گفتمان انتقادی سبیری تکوینی از تحلیل گفتمان در مطالعه‌های زبان‌شناختی است که تحلیل گفتمان را به لحاظ نظری و روش‌شناختی از سطح توصیف متون به سطح تبیین ارتقا داده و به لحاظ محدوده تحقیق نیز گستره آن را از سطح بافت موقعیت فرد به سطح کلان، یعنی جامعه، تاریخ و ایدئولوژی وسعت بخشیده است (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵). پژوهش حاضر کیفی و از نوع واکاوی است. به‌منظور تبیین متن در سکونتگاه‌های مسئله‌دار از روش کیفی-کمی استفاده شده است. منابع داده‌های استفاده‌شده در این پژوهش نیز محیط زندگی ساکنان

است. به‌منظور گردآوری داده‌ها از مشاهده مشارکتی، مصاحبه ساخت‌نیافته از ساکنان و جامعه متخصصان در قالب پنل دلفی استفاده شد. بدین ترتیب براساس فرمول کوکران با سطح خطای ۰/۰۵ درصد، ۳۷۸ نمونه به‌صورت تصادفی جمع‌آوری شدند. بر پایه این روش، به‌منظور تصور منسجم از محله، بافت اجتماعی و روند تغییرات، نمونه‌ها از میان کسانی که عمدتاً ۲۰ سال سابقه سکونت در این محله را داشتند، انتخاب شدند و سعی شد نمونه‌های منتخب از نظر جنسی میان هر دو گروه زنان و مردان در نظر گرفته شود.

### محدوده مورد مطالعه

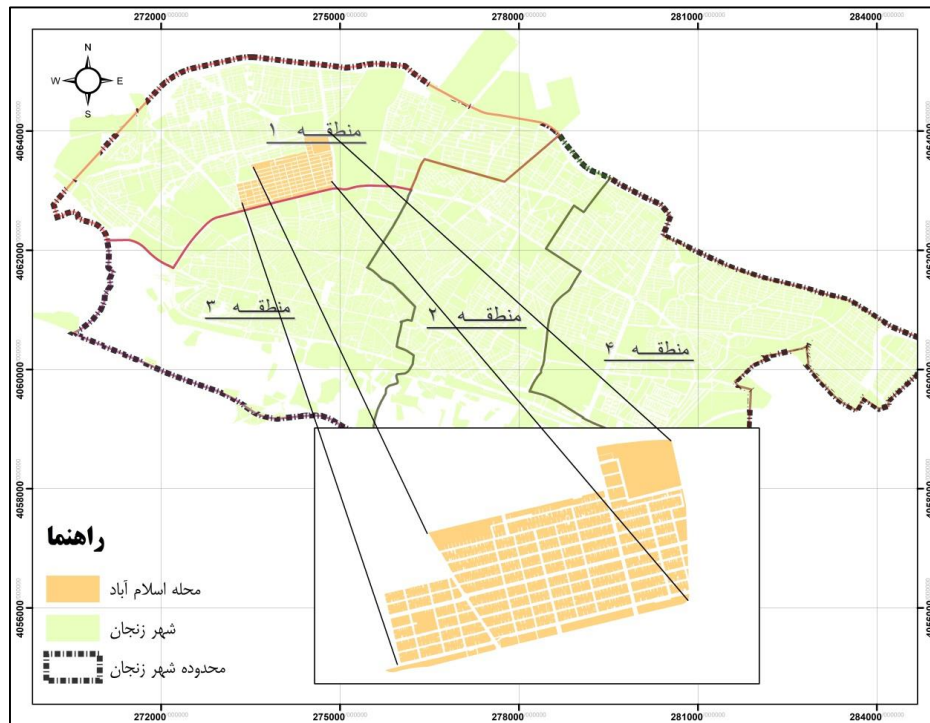
شهر زنجان اولین و بزرگ‌ترین نقطه شهری استان با ۴۳۰۸۷۱ نفر جمعیت در سرشماری ۱۳۹۵، یکی از شهرهای میانه‌اندام کشور محسوب می‌شود. این شهر به چهار منطقه شهرداری تقسیم می‌شود که محله اسلام‌آباد از حیث سلسله‌مراتب تقسیمات کالبدی در منطقه ۱ با ۲۳۴۶۵ هزار نفر جمعیت در سرشماری ۱۳۹۵ و ۱۲۰ هکتار وسعت، در شمال غرب واقع شده است. این محله به‌منزله یکی از محله‌های فرودست شهر زنجان، از نظر مدیریت شهری سکونتگاه غیررسمی خوانده می‌شود که ۷۱۲۴ خانوار با بعد ۳/۳ نفر در آن سکونت دارند (آمارنامه شهر زنجان، ۱۳۹۵). این محله به لحاظ خصوصیات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره متفاوت بوده و جمعیتی آن حدود ۲۳۴۶۵ نفر است. شبکه معابر شطرنجی، ریزدانی، میزان ساخته‌شده در مقایسه با عرصه (نسبت توده به فضا)، تراکم ساختمانی و جمعیتی بالا و کمبود سرانه‌ها از ویژگی‌های منحصربه‌فرد این محله است. بررسی‌های کمی کاربری زمین، مفاهیمی مانند جمعیت و سرانه زمین، درصد هر کاربری را به‌کار می‌گیرد تا با بررسی ترکیبی آن‌ها با یکدیگر و مقایسه اعداد و ارقام وضع موجود با سرانه‌های استاندارد و مطلوب، به نتایجی درباره کمبودها و نیازمندی‌های خدماتی دست یابد. بررسی‌ها نشان می‌دهد، سرانه تمامی کاربری‌ها در محله اسلام‌آباد کمتر از سرانه استاندارد است. این میزان در کاربری فضای سبز با (۶/۸۶- مترمربع) نیز بیشتر است؛ درحالی‌که سرانه تأسیسات و تجهیزات شهری در وضعیت موجود بیشتر از استاندارد سرانه (۲/۶۴ مترمربع) است. از سوی دیگر، یکی از شاخص‌های مهم در نحوه برخورداری ساکنان محدوده از فرصت‌ها و امکانات موجود، نسبت و تعداد جمعیت به مساحت محدوده است که از آن به تراکم جمعیتی نام برده می‌شود. این موضوع ارتباط تنگاتنگی با میزان برخورداری ساکنان از فضاهای خدماتی- رفاهی، آسایش ساکنان و غیره دارد. در محله اسلام‌آباد بیشترین میزان تراکم جمعیتی در قسمت‌های شمالی محله با میزان بیشتر از ۴۰۰ نفر در هکتار تمرکز داشته‌اند.

جدول ۱. ویژگی‌های عمومی محدوده مورد مطالعه

شاخص	جمعیت (نفر)	مساحت (هکتار)	بعد خانوار	تعداد خانوار
شهر زنجان	۴۳۰۸۷۱	۶۱۶۰/۲۴	۳/۲	۱۳۲۴۶۹
محله اسلام‌آباد	۲۳۴۶۵	۱۲۰/۵۴	۳/۳	۷۱۲۴

منبع: آمارنامه شهر زنجان، ۱۳۹۵





شکل ۲. قلمرو پژوهش، منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹

### یافته‌های پژوهش

داده‌های توصیفی از مشخصات عمومی جامعه آماری که حاصل اجرای داده‌های میدانی است، نشان می‌دهد از تعداد ۳۷۸ پاسخ‌دهنده (عمدتاً سرپرست خانوار) ۳۵/۴ درصد زن و ۶۴/۶ درصد مرد هستند. میانگین سنی پاسخ‌دهندگان حدود ۴۰ سال با ۴۲/۱ درصد، ۶۶/۴ درصد متأهل و ۳۳/۶ درصد مجرد، بیشترین نوع تحصیلات لیسانس و دیپلم با ۲۷/۸ درصد، اغلب خانواده‌ها ۳ تا ۵ نفر با ۴۳/۹ درصد، نوع شغل آزاد با ۵۳/۲ درصد، ۶۷/۵ درصد مالک و ۳۲/۵ درصد مستأجر، میانگین سکونت در محل بیش از ۲۰ سال و بیشترین دلیل سکونت در محله قوم و خویش بودن با ۲۶/۵ درصد، اجاره بهای کمتر با ۱۳/۲ درصد، به‌خاطر فرزندان ۱۹/۶ درصد، نزدیکی به محل شغل ۱۴/۳ درصد، حس تعلق به محله ۱۶/۷ درصد و ملک موروثی و ساکت و دنج بودن با ۹/۸ درصد حاصل شده است.

جدول ۲. ویژگی‌های توصیفی نمونه‌های آماری

ویژگی	شاخص	تعداد	درصد	ویژگی	شاخص	تعداد	درصد
جنسیت	مرد	۲۴۴	۶۴/۶	جمعیت خانوار	کمتر از ۳ نفر	۸۰	۲۱/۲
	زن	۱۳۴	۳۵/۴		۳ تا ۵ نفر	۱۶۶	۴۳/۹
نوع شغل	۱۸ - ۳۰	۱۲۳	۳۲/۵	۵ تا ۷ نفر	۱۰۷	۲۸/۳	
	۳۰ - ۴۰	۱۵۹	۴۲/۱	بیشتر از ۷ نفر	۲۵	۶/۶	
	۴۰ - ۵۰	۴۰	۱۰/۶	خانه‌دار	۸۲	۲۱/۷	
	۵۰ - ۶۰	۳۹	۱۰/۳	محصل	۲۱	۵/۶	

نوع سکونتگاه	تعداد	بیش از ۶۰ سال		نوع سکونتگاه	تعداد	تعداد
		۱۷	۴/۵			
سکونتگاه‌های شهری	متاهل	۲۵۱	۶۶/۴	آزاد	۲۰۱	۵۳/۲
	مجرد	۱۲۷	۳۳/۶	دانشجو	۱۲	۳/۲
	بی‌سواد	۳۸	۱۰/۱	دولتی	۴۶	۱۲/۲
سکونتگاه‌های روستایی	ابتدایی	۱۷	۴/۵	بازنشسته	۷	۱/۹
	راهنمایی	۱۴	۳/۷	شرکتی	۹	۲/۴
	سیکل	۲۱	۵/۶	کمتر از ۵ سال	۶۵	۱۷/۲
	دیبرستان	۱۸	۴/۸	۵ - ۱۰ سال	۴۳	۱۱/۴
	دیپلم	۱۰۵	۳۷/۸	۱۰ - ۱۵ سال	۵۱	۱۳/۵
	لیسانس	۱۰۵	۳۷/۸	۱۵ - ۲۰ سال	۷۰	۱۸/۵
	تحصیلات تکمیلی	۵۱	۱۳/۵	بیش از ۲۰ سال	۱۴۹	۳۹/۴
	حوزوی	۹	۲/۴	مالک	۲۵۵	۶۷/۵
				مستاجر	۱۲۳	۳۲/۵

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹

### شناخت نظم قدرت حاکم بر تولید متن / فضای سکونتگاه‌های مسئله‌دار

شناخت نظم حاصل از قدرت حاکم شروعی بر نگاهی متفاوت بر تولید متن / فضا است. در نگاهی ساده متن / فضای تولیدشده به لحاظ برنامه‌ریزی، اندیشه‌ای بر فضا در چارچوب دولت یا هر نهاد قدرت تعیین می‌شود. به سبب این دانش و اندیشه، نظم فضایی موردنظر شکل می‌گیرد. محال است برنامه‌ریزی اجتماعی متمرکز، بتواند تنها بر چنین شناختی متکی باشد، اما در نگاهی دیگر نظم خودانگیخته‌ای است که ساکنان و مدیریت محلی آن را بازتولید کرده‌اند. این اندیشه در فضا گویای نظامی است که با تجربه زندگی ساکنان سروکار دارد. نظم حاکم در نمونه مورد مطالعه براساس شاخص‌ها استخراج شد و برای آزمون فرض از آزمون t تک‌نمونه‌ای استفاده شد. به‌طور کلی این آزمون وقتی استفاده می‌شود که شما بخواهید نمرات به‌دست‌آمده از یک پژوهش را با عددی ثابت مقایسه کنید. عدد ثابت برابر با ۳ است. براساس جدول ۳، متغیرهای «ارتباطات همسایگی»، «یکدستی و نبود تفاوت‌های فرهنگی»، «امنیت محله»، «حضور در فضاهای محله»، «دسترسی به خدمات عمومی»، «دفع پسماندها و زباله‌های محله» به ترتیب با ۴، ۳/۵۰، ۳/۳۳، ۳/۰۱، ۳/۱۰، ۳/۱۸، ۳/۲۴، ۳/۹۱، ۳/۵۳، ۳/۴۰، ۳/۷۶ و ۳/۵۵ بالاتر از عدد ثابت حاصل شده‌اند که نشانگر رضایت ساکنان است. نبود تفاوت‌های فرهنگی به دلیل مهاجر بودن، حضور در فضاهای محله به‌واسطه شناخت چهره به چهره یکدیگر و دسترسی به خدمات شهری به دلیل بافت موقعیتی از جمله دلایلی است که رضایت‌مندی فوق را تأیید می‌کنند. متغیرهایی مانند «گزارش ساخت‌وسازهای غیرقانونی»، «نظارت شهرداری بر ساخت‌وسازها در محله» و «مشارکت در امور مختلف محله» به ترتیب با ۲/۹۹، ۲/۹۲ و ۲/۹۴، تاحدودی مطلوب هستند؛ با وجود اینکه نزدیک به عدد میانگین حاصل شده‌اند. گذشت زمان، تعامل با مدیریت شهری و توانمندشدن ساکنان از جمله عوامل تأثیرگذار بر متغیرهای فوق هستند، اما برخی متغیرها به ترتیب با ۲/۶۷، ۱/۹۶، ۲/۰۶، ۲/۰۲، ۲/۱۵، ۲/۲۶، ۲/۴۵، ۲/۸۴، ۲/۲۳، ۱/۹۷، ۲/۱۶۰/۷۸، ۲/۶۵، ۱/۷۰، ۱/۷۱، ۲/۸۷، ۲/۶۰، ۲/۸۴، ۲/۰۱ و ۲/۵۹، کمتر از عدد میانگین (۳) حاصل شده‌اند که نشانگر نامطلوب بودن متغیرها براساس تجربه زیست ساکنان هستند. این متغیرها عبارت‌اند از: بهبودی محله در مقایسه

با گذشته، نظرسنجی، تشکیل جلسات منظم، مراجعه به شهرداری، سرانۀ کاربری‌ها، احساس مسئولیت افراد غیرساکن شاغل، افزایش مشارکت افراد با فعالیت افراد غیرساکن، ارتقای فرهنگی محله به سبب فعالیت افراد غیرساکن، شفاف‌سازی طرح‌ها و برنامه‌های شهرداری، حمایت‌های دولتی از اقشار آسیب‌دیده محله، رعایت حقوق شهروندی توسط دولت / مدیریت شهری، نبود محدودیت در استفاده از فضاهای سایر محله‌ها، مشارکت در گردهمایی‌ها، برخورداری از مسکن مناسب، اوقات فراغت در فضاهای عمومی محله، دسترسی به فضاهای سبز محله، دسترسی به خدمات رفاهی و تفریحی محله، تحت پوشش بیمه‌بودن خانوار، سیستم فاضلاب محله و ترجیح‌دادن زندگی در محله با تمام مشکلات.

تجربۀ ضعف ارتباط مدیریت شهری (شهرداری) با مردم و بالعکس مهم‌ترین عاملی است که سبب نامطلوب‌بودن متغیرهای فوق شده است. با وجود دسترسی این سکونتگاه‌ها به خدمات شهری به دلیل بافت موقعیتی آن‌ها، ظرفیت بالای اقتصادی و تراکم بالای جمعیتی در این فضاها سرمایه‌گذاری‌ها را افزایش داده و رشد و توسعه اقتصادی را برای شهر به همراه داشته است، اما تفاوت جایگاه شهروندان براساس دیدگاه مدیریت شهری سبب افزایش دوگانگی و تضاد و پیشی گرفتن منافع شخصی بر منافع مشترک شده است. جدول ۳، تعداد نمونه‌ها، میانگین، انحراف معیار و میانگین انحراف معیار متغیرها را نمایش می‌دهد.

جدول ۳. میانگین حاصل از آزمون t تک‌نمونه‌ای

ردیف	سوالات	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	انحراف از میانگین خطا
۱	محله‌ام در مقایسه با گذشته بهبود یافته است.	۳۷۸	۲/۶۷	۱/۱۷۶	۰/۰۶۱
۲	در طرح‌ها و برنامه‌های محله از ما خواسته می‌شود نظر بدهیم.	۳۷۸	۱/۹۶	۱/۰۱۰	۰/۰۵۲
۳	جلسات منظمی با همسایگان برای رفع مشکلات محله تشکیل می‌دهیم.	۳۷۸	۲/۰۶	۱/۱۳۴	۰/۰۵۸
۴	تا زمانی که مشکلات محله به مرحله حاد نرسیده است، به شهرداری مراجعه نمی‌کنیم.	۳۷۸	۲/۰۲	۱/۳۸۷	۰/۰۷۱
۵	ساخت‌وسازهای غیرقانونی در محله را به شهرداری گزارش می‌دهیم.	۳۷۸	۲/۹۹	۱/۴۱۹	۰/۰۷۳
۶	مأموران شهرداری به ساخت‌وسازها در محله ما نظارت دارند.	۳۷۸	۲/۹۲	۱/۳۵۲	۰/۰۷۰
۷	سرانۀ کاربری‌ها براساس نیازهای محله تأمین شده است.	۳۷۸	۲/۱۵	۱/۱۰۱	۰/۰۵۷
۸	افراد غیرساکن شاغل در محله ما به محله ما احساس مسئولیت دارند.	۳۷۸	۲/۲۶	۱/۲۸۸	۰/۰۶۶
۹	فعالیت افراد غیرساکن (در محور تجاری) سبب افزایش همدلی و مشارکت افراد در مراسم‌های محله شده است.	۳۷۸	۲/۴۵	۱/۱۴۶	۰/۰۵۹
۱۰	فعالیت افراد غیرساکن (در محور تجاری) سبب ارتقای فرهنگی محله شده است.	۳۷۸	۲/۸۴	۱/۲۳۲	۰/۰۶۳
۱۱	در طرح‌ها و برنامه‌های محله از طرف شهرداری شفاف‌سازی می‌شود (بنرهای تبلیغاتی، سخنرانی در مساجد و غیره)	۳۷۸	۲/۲۳	۱/۲۶۸	۰/۰۶۵
۱۲	قشرهای آسیب‌دیده محله (از نظر کالبدی) شامل حمایت‌های دولتی (وام و تسهیلات، بهسازی، نوسازی و غیره) می‌شود.	۳۷۸	۱/۹۷	۱/۰۸۴	۰/۰۵۶

۱۳	حقوق شهروندی ما توسط دولت/ مدیریت شهری (شهرداری) رعایت می‌شود.	۳۷۸	۱/۷۸	۰/۹۸۵	۰/۰۵۱
۱۴	در محله هم‌زیستی مسالمت‌آمیزی با همسایگان دارم.	۳۷۸	۴	۰/۸۹۴	۰/۰۴۶
۱۵	تفاوت فرهنگی میان ساکنین محله کمتر است.	۳۷۸	۳/۵۰	۱/۰۴۶	۰/۰۵۴
۱۶	در محله‌ام احساس امنیت می‌کنم.	۳۷۸	۳/۳۳	۱/۳۱۷	۰/۰۶۸
۱۷	هیچ محدودیتی در استفاده از فضاهای محله ندارم.	۳۷۸	۳/۰۱	۱/۳۹۰	۰/۰۷۱
۱۸	در هر زمانی بخواهم در فضاهای محله حضور دارم.	۳۷۸	۳/۱۰	۱/۴۱۷	۰/۰۷۳
۱۹	همه گروه‌های سنی از تمامی فضاهای محله استفاده می‌کنند.	۳۷۸	۳/۱۸	۱/۲۶۹	۰/۰۶۵
۲۰	هیچ‌گونه محدودیتی در استفاده از فضاهای آموزشی، بهداشتی-درمانی، فضاهای اوقات فراغت و فضای سبز سایر محله‌ها نداریم.	۳۷۸	۲/۶۰	۱/۳۷۱	۰/۰۷۱
۲۱	در امور مختلف محله مشارکت می‌کنم.	۳۷۸	۲/۹۴	۱/۲۰۳	۰/۰۶۲
۲۲	آزادانه در گردهمایی‌ها مشارکت دارم.	۳۷۸	۲/۶۵	۱/۱۹۴	۰/۰۶۱
۲۳	از مسکن مناسبی در محله برخوردارم.	۳۷۸	۱/۷۰	۰/۵۸۲	۰/۰۰۶
۲۴	تمام نیازهای روزانه‌ام در محله تأمین می‌شود و نیازی به مراجعه به سایر محله‌ها ندارم.	۳۷۸	۳/۲۴	۱/۳۷۶	۰/۰۷۱
۲۵	فعالیت تجاری (محور تجاری) شهید مدنی سبب ارتقای اقتصادی محله شده است.	۳۷۸	۳/۹۱	۱/۰۲۵	۰/۰۵۳
۲۶	برای اوقات فراغت از فضاهای عمومی محله استفاده می‌کنم.	۳۷۸	۱/۷۱	۰/۰۹۵	۰/۰۰۹
۲۷	به امکانات بهداشتی-درمانی محله دسترسی دارم.	۳۷۸	۳/۵۳	۱/۱۸۸	۰/۰۶۱
۲۸	به فضاهای سبز محله دسترسی دارم.	۳۷۸	۲/۸۷	۱/۵۴۵	۰/۰۷۹
۲۹	به فضاهای آموزشی محله دسترسی دارم.	۳۷۸	۳/۴۰	۱/۲۸۱	۰/۰۶۶
۳۰	به خدمات حمل‌ونقل عمومی محله دسترسی دارم.	۳۷۸	۳/۷۶	۱/۰۸۷	۰/۰۵۶
۳۱	به خدمات رفاهی و تفریحی محله دسترسی دارم.	۳۷۸	۲/۶۰	۱/۳۴۰	۰/۰۶۹
۳۲	افراد خانواده تحت پوشش بیمه هستند و دفترچه (تأمین اجتماعی، خدمات درمانی و غیره) دارند.	۳۷۸	۲/۸۴	۱/۵۱۰	۰/۰۷۸
۳۳	مأموران شهرداری زباله‌ها و پسماند محله را از درب منزل برمی‌دارند.	۳۷۸	۳/۵۵	۱/۱۹۹	۰/۰۶۲
۳۴	محله ما به سیستم فاضلاب مجهز شهری است.	۳۷۸	۲/۰۱	۱/۳۱۸	۰/۰۶۸
۳۵	زندگی در محله را با تمام مشکلات ترجیح می‌دهم.	۳۷۸	۲/۵۹	۱/۴۰۲	۰/۰۷۲

## منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹

همچنین نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای با سطح اطمینان ۰/۹۵ تفاوت معناداری را میان میانگین متغیرها نمایش می‌دهد. سطح معناداری میان مفاهیم فوق در نظم متن/ فضای سکونتگاه‌های مسئله‌دار افزایشی/ کاهش‌ی است. به عبارت دیگر افزایش آن‌ها در میان ساکنان نشانگر تسلط قدرت مدیریت محلی بر فضای تحمیلی ناشی از ایدئولوژی دولت و مدیریت شهری است؛ درحالی‌که افزایش آن در سطح دولت و مدیریت شهری نشان‌دهنده افزایش تسلط راهبردهای فضایی بر تاکتیک‌های فضایی مردم ضعیف است؛ از این‌رو مدیریت شهری با چالش‌های فراوانی روبه‌روست که یکی از دلایل آن ضعیف‌بودن بعد مشارکتی مردم در زمینه مدیریت شهری است؛ بنابراین مدیریت شهری مهم‌ترین نهاد اداره‌کننده شهر است که به‌طور مستقیم با شهروندان ارتباط دارد و باید نقش خود را در بالابردن میزان سرمایه اجتماعی شهروندان ایفا کند. این امر مستلزم افزایش ابعاد آگاهی، اعتماد و مشارکت متقابل است.

نمونه آزمایش = ۳						متغیرها	ردیف
تفاوت فاصله اطمینان: ۹۵ درصد		اختلاف میانگین	معناداری (دودویی)	درجه آزادی	توزیع t		
بالاترین	پایین ترین						
-۰/۲۱	-۰/۴۵	-۰/۳۳۱	۰/۰۰۰	۳۷۷	-۵/۴۶۶	بهبودی	۱
-۰/۹۴	-۱/۱۵	-۱/۰۴۵	۰/۰۰۰	۳۷۷	-۲۰/۱۲۴	نظرخواهی	۲
-۰/۸۳	-۱/۰۶	-۰/۹۴۲	۰/۰۰۰	۳۷۷	-۱۶/۱۴۸	جلسات منظم	۳
-۰/۰۴	-۰/۳۲	-۰/۱۸۰	۰/۰۱۲	۳۷۷	-۲/۵۲۱	مسائل و مشکلات	۴
۰/۱۴	-۰/۱۵	-۰/۰۰۸	۰/۹۱۳	۳۷۷	-۰/۱۰۹	گزارش	۵
۰/۰۶	-۰/۲۱	-۰/۰۷۷	۰/۲۷۱	۳۷۷	-۱/۱۰۴	نظارت	۶
-۰/۶۴	-۰/۸۶	-۰/۷۵۱	۰/۰۰۰	۳۷۷	-۱۳/۲۷۳	کاربری اراضی	۷
-۰/۶۱	-۰/۸۷	-۰/۷۳۵	۰/۰۰۰	۳۷۷	-۱۱/۱۰۰	مسئولیت پذیری	۸
-۰/۴۳	-۰/۶۷	-۰/۵۵۰	۰/۰۰۰	۳۷۷	-۹/۳۳۱	مشارکت	۹
-۰/۰۳	-۰/۲۸	-۰/۱۵۹	۰/۰۱۳	۳۷۷	-۲/۵۰۴	فرهنگ	۱۰
-۰/۶۴	-۰/۹۰	-۰/۷۷۲	۰/۰۰۰	۳۷۷	-۱۱/۸۴۲	صداقت	۱۱
-۰/۹۲	-۱/۱۴	-۱/۰۲۹	۰/۰۰۰	۳۷۷	-۱۸/۴۶۴	حمایت	۱۲
-۱/۱۳	-۱/۳۲	-۱/۲۲۵	۰/۰۰۰	۳۷۷	-۲۴/۱۷۳	حقوق شهروندی	۱۳
۱/۰۹	۰/۹۱	۱/۰۳	۰/۰۰۰	۳۷۷	۲۱/۸۱۶	همزیستی	۱۴
۰/۶۱	۰/۴۰	۰/۵۰۳	۰/۰۰۰	۳۷۷	۹/۳۴۳	تفاوت فرهنگی	۱۵
۰/۴۶	۰/۲۰	۰/۳۳۱	۰/۰۰۰	۳۷۷	۴/۸۸۳	ایمنی	۱۶
۰/۱۵	-۰/۱۴	۰/۰۰۵	۰/۹۴۱	۳۷۷	۰/۰۷۴	نبود محدودیت	۱۷
۰/۲۴	-۰/۰۵	۰/۰۹۵	۰/۱۹۲	۳۷۷	۱/۳۰۷	حضور در فضا	۱۸
۰/۳۱	۰/۰۵	۰/۱۷۷	۰/۰۰۷	۳۷۷	۲/۷۱۶	استفاده گروه از فضا	۱۹
-۰/۲۷	-۰/۵۴	-۰/۴۰۵	۰/۰۰۰	۳۷۷	-۵/۷۳۸	محدودیت نداشتن در کاربری اراضی	۲۰
۰/۰۷	-۰/۱۸	-۰/۰۵۶	۰/۳۷۰	۳۷۷	-۰/۸۹۸	ارتباطات همسایگی	۲۱
-۰/۲۳	-۰/۴۷	-۰/۳۴۹	۰/۰۰۰	۳۷۷	-۵/۶۸۴	آزادی	۲۲
-۰/۱۷	-۰/۴۳	-۰/۳۰۲	۰/۰۰۰	۳۷۷	-۴/۵۷۴	مسکن	۲۳
۰/۳۷	۰/۱۰	۰/۲۳۵	۰/۰۰۱	۳۷۷	۳/۳۲۶	نیازهای روزمره	۲۴
۱/۰۲	۰/۸۱	۰/۹۱۳	۰/۰۰۰	۳۷۷	۱۷/۳۱۱	محور تجاری	۲۵
-۰/۱۵	-۰/۴۲	-۰/۲۸۸	۰/۰۰۰	۳۷۷	-۴/۲۰۱	خدمات تفریحی	۲۶
۰/۶۵	۰/۴۱	۰/۵۳۴	۰/۰۰۰	۳۷۷	-۸/۷۴۶	خدمات بهداشتی	۲۷
۰/۰۳	-۰/۲۸	-۰/۱۲۷	۰/۱۱۱	۳۷۷	-۱/۵۹۸	فضای سبز	۲۸
۰/۵۳	۰/۲۸	۰/۴۰۵	۰/۰۰۰	۳۷۷	۶/۱۴۱	خدمات آموزشی	۲۹
۰/۸۷	۰/۶۵	۰/۷۵۷	۰/۰۰۰	۳۷۷	۱۳/۵۳۱	خدمات حمل و نقل	۳۰
-۰/۲۷	-۰/۵۴	-۰/۴۰۵	۰/۰۰۰	۳۷۷	-۵/۸۷۲	خدمات رفاهی	۳۱
-۰/۰۱	-۰/۳۲	-۰/۱۶۴	۰/۰۳۵	۳۷۷	-۲/۱۱۲	بیمه	۳۲
۰/۶۷	۰/۴۳	۰/۵۵۰	۰/۰۰۰	۳۷۷	۸/۹۲۶	پسماند	۳۳
-۰/۸۶	-۱/۱۳	-۰/۹۹۲	۰/۰۰۰	۳۷۷	-۱۴/۶۳۳	فاضلاب	۳۴

۳۵	تمایل به زندگی دوباره در محله	-۵/۶۸۵	۳۷۷	۰/۰۰۰	-۰/۴۱۰	-۰/۵۵	-۰/۲۷
----	-------------------------------	--------	-----	-------	--------	-------	-------

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹

### کشف متغیرهای مکنون مؤثر بر نظم در سکونتگاه‌های مسئله‌دار

بعد از شناخت نظم حاکم بر سکونتگاه‌های مسئله‌دار کشف متغیرهای مؤثر بر نظم مکنون در سکونتگاه‌های مسئله‌دار اهمیت دوچندانی دارد. به عبارت دیگر باید دانست که کدام‌یک از متغیرها در حاکم‌بودن نظم حاضر تأثیرگذارند. برای آزمون این فرض از تحلیل عاملی استفاده می‌شود. تحلیل عاملی روشی چندمتغیره است که برای خلاصه‌کردن یا تقلیل داده‌ها به کار می‌رود. بدین ترتیب که این روش، تعداد زیادی از متغیرهای تبیین‌کننده یک موضوع مدنظر را به تعداد کوچک‌تری از ابعاد پنهان یا مکنون که عامل نامیده می‌شوند، تبدیل می‌کند. روش تحلیل عاملی اکتشافی در مواردی به کار می‌رود که هدف اکتشاف یا تولید ابعاد مکنون تشکیل‌دهنده پدیده موردنظر است. متغیرهای تبیین‌کننده این پدیده، پس از مرور متون نظری و تجربی مرتبط استخراج شده است. محقق نیز با به‌کارگیری این روش، متغیرهای متعدد نشانگر پدیده مدنظر را به کمترین بعد مکنون (عامل) تبدیل می‌کند؛ به‌گونه‌ای که هر عامل، تعدادی از متغیرهای موضوع مدنظر را شامل می‌شود. عوامل استخراج‌شده با این روش، نمایانگرهای خوبی برای تبیین موضوع / پدیده مدنظر هستند (زبردست، ۱۳۹۶: ۶). در این بخش، روش تحلیل عاملی با استفاده از ۳۵ شاخص نهایی و با استفاده از نرم‌افزار Spss انجام شد. برای کنترل تناسب داده‌ها به‌منظور تحلیل عاملی، مقدار عددی KMO و آزمون کرویت-بارتلت محاسبه شد. نتایج آزمون کرویت بارتلت و مقدار عددی معیار KMO (کایسر-مهیر-اولکین: Kaiser-Olikin-Meyer)، تناسب کلی نمونه‌ها برای انجام تحلیل عاملی را نشان می‌دهند. سطح معناداری آزمون کرویت بارتلت (Sig=۰/۰۰۰۱) و مقدار عددی معیار KMO که برابر با ۰/۷۰۱ است، مناسب‌بودن داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی را نشان می‌دهد (جدول ۵).

جدول ۵. آزمون بارتلت و مقدار عددی KMO (از نتایج تحلیل عاملی)

اندازه‌گیری کفایت نمونه‌گیری از کایسر-مهیر-اولکین		۰/۷۰۱
آزمون کرویت بارتلت	معیار کای اسکوئر	۶۶۴۴/۱۸۵
	درجه آزادی	۵۹۵
	معناداری	۰/۰۰۰

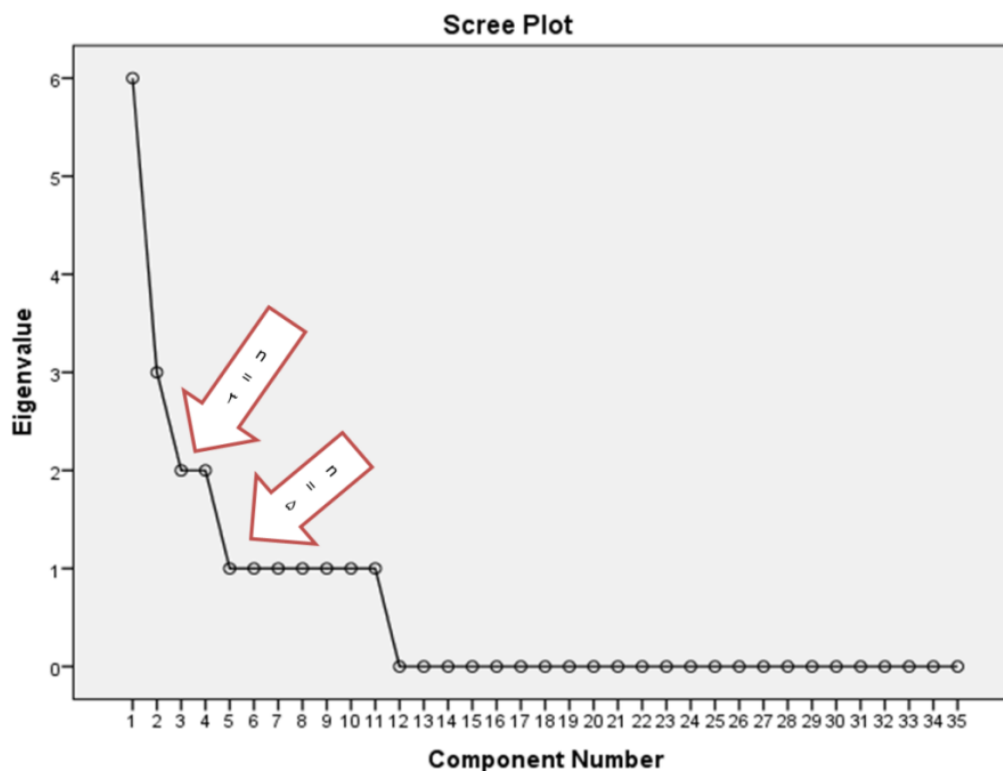
تعیین روش و تعداد عوامل، در اولین اجرای نرم‌افزار، بدون درخواست دوران عوامل با استفاده از روش تجزیه به مؤلفه‌های اصلی و تعداد عامل‌هایی که قابل استخراج هستند، مشخص شد. برای تعیین تعداد عامل‌هایی که باید

برای مجموعه داده‌ها در این تحلیل استخراج شوند، ابتدا از معیار کایسر استفاده شد. براساس این معیار، تنها عامل‌های دارای مقدار ویژه ۱ یا بیشتر، به‌عنوان منبع ممکن تغییرات در داده‌ها پذیرفته می‌شوند. جدول ۶ عوامل استخراج‌شده و درصد تغییرات آن‌ها را نمایش می‌دهد. براساس این جدول مقدار ویژه ۱۱ عامل بیشتر از ۱ بوده و این عوامل در مجموع ۷۰/۸۷۸ درصد تغییرات داده‌ها را تبیین می‌کنند. برای تعیین قطعی تعداد عواملی که باید استخراج کرد، نمودار دامنه کوه (نمودار ۱) نیز بررسی شده است. در این نمودار، دو نقطه شکست مشاهده می‌شود: اولی در نقطه ۳ و دومی در نقطه ۵. به عبارت دیگر، در نقطه شکست اول، ۳ عامل و در نقطه شکست دوم، ۸ عامل باید استخراج شوند، اما ۳ عامل تنها ۳۶/۴۵ درصد (جدول ۶) تغییرات داده‌ها را تبیین می‌کنند که از ۶۰ درصد مرسوم کمتر است. اینکه مقدار عوامل استخراج‌شده تجمعی چند درصد باشد مورد مناقشه است. بیشتر محققان معتقدند برای حصول اطمینان از نتایج مدل، باید آن تعداد عواملی را استخراج کرد که در مجموع حداقل ۶۰ درصد تغییرات داده‌ها را توضیح دهند (زبردست، ۱۳۹۶: ۸ به نقل از Howard, 2016)؛ بنابراین به دلیل مشکلات و تکرار در تفسیر و نام‌گذاری عوامل، هشت عامل استخراج شد.

جدول ۶. عوامل استخراج‌شده برای کشف نظم مکنون و درصد تغییرات آن‌ها

مجموع استخراج بارهای مربع‌شده			مقادیر ویژه اولیه			مؤلفه‌ها
درصد تغییرات تجمعی	درصد واریانس	مجموع	درصد تغییرات تجمعی	درصد واریانس	مجموع	
۱۹/۹۱۶	۱۹/۹۱۶	۶/۹۷۱	۱۹/۹۱۶	۱۹/۹۱۶	۶/۹۷۱	۱
۲۸/۸۸۷	۸/۹۷۱	۳/۱۴۰	۲۸/۸۸۷	۸/۹۷۱	۳/۱۴۰	۲
۳۶/۵۴۸	۷/۵۷۱	۲/۶۵۰	۳۶/۵۴۸	۷/۵۷۱	۲/۶۵۰	۳
۴۲/۵۰۵	۶/۰۴۷	۲/۱۱۶	۴۲/۵۰۵	۶/۰۴۷	۲/۱۱۶	۴
۴۷/۹۸۵	۵/۴۸۰	۱/۹۱۸	۴۷/۹۸۵	۵/۴۸۰	۱/۹۱۸	۵
۵۲/۷۰۶	۴/۷۲۲	۱/۶۵۳	۵۲/۷۰۶	۴/۷۲۲	۱/۶۵۳	۶
۵۶/۸۹۶	۴/۱۹۰	۱/۴۶۶	۵۶/۸۹۶	۴/۱۹۰	۱/۴۶۶	۷
۶۰/۷۴۰	۳/۸۴۴	۱/۳۴۵	۶۰/۷۴۰	۳/۸۴۴	۱/۳۴۵	۸
۶۴/۳۴۷	۳/۶۰۸	۱/۲۶۳	۶۴/۳۴۷	۳/۶۰۸	۱/۲۶۳	۹
۶۷/۸۱۰	۳/۴۶۲	۱/۲۱۲	۶۷/۸۱۰	۳/۴۶۲	۱/۲۱۲	۱۰
۷۰/۸۷۸	۳/۰۶۸	۱/۰۷۴	۷۰/۸۷۸	۳/۰۶۸	۱/۰۷۴	۱۱

روش استخراج: تجزیه و تحلیل مؤلفه‌های اصلی



### نمودار 1. نمودار دامنه کوه برای تعیین تعداد عوامل

در اینجا باید به دو نکته توجه کرد: اول اینکه بعد از دوران برخی از متغیرها با بیش از ۱ عامل، بار عاملی بالای ۰/۳ دارند که این متغیرها را زیر عاملی در نظر می‌گیریم که بیشترین مقدار عددی بار عاملی را با آن عامل دارند و ارتباط این متغیرها با سایر عوامل را در نظر نمی‌گیریم. دوم اینکه، علامت منفی تنها نشان‌دهنده جهت مخالف این شاخص با بقیه شاخص‌هاست و نه مقدار عددی کمتر؛ بنابراین هشت عامل و شاخص‌های زیر هر عامل مشخص می‌شوند. با توجه به ارتباط هر یک از عوامل استخراج‌شده با شاخص‌های مؤثر در نظم تولیدشده هشت عامل به ترتیب حقوق شهروندی، احساس تعلق مکانی، حقوق اجتماعی، حقوق اقتصادی، دسترسی، حقوق سیاسی، حقوق عمومی و کارکرد شهرداری طبقه‌بندی شده است. نظرخواهی در برنامه‌ها، تشکیل جلسات منظم در ارتباط با مشکلات محله، تأمین سرانه‌ها، احساس مسئولیت به محله، مشارکت افراد، حمایت از قشرهای آسیب‌دیده و رعایت حقوق شهروندی از مهم‌ترین متغیرهای گروه اول است که ۱۹/۹ درصد تأثیرگذاری را در نظم محله اسلام‌آباد داشته‌اند. سایر عوامل به ترتیب با ۸/۹، ۷/۵، ۶/۰۴، ۵/۴، ۴/۷، ۴/۱ و ۳/۸ درصد از بیشترین به کمترین تأثیر را در نظم محله اسلام‌آباد داشته است. اگرچه با گذشت زمان و اقدامات متأثر از رویکردهای مدیریت شهری، این سکونتگاه‌ها در متن شهرها به رسمیت شناخته شدند، اما در نظم کنونی فضای محله اسلام‌آباد، رعایت‌نکردن حقوق شهروندی، بی‌توجهی و نادیده گرفته شدن‌ها جایگزین سایر مشکلات و مسائل شده است.



## جدول ۷. عوامل استخراج شده، بار عاملی و نام‌گذاری آن‌ها برای کشف نظم مکنون

ردیف	شاخص	اختصار شاخص	بار عاملی	عنوان عامل
۱	در طرح‌ها و برنامه‌های محله از ما خواسته می‌شود که نظر بدهیم.	نظرخواهی	۰/۵۳۹	حقوق شهروندی
	جلسات منظمی با همسایگان برای رفع مشکلات محله تشکیل می‌دهیم.	جلسات منظم	۰/۴۷۶	
	سرانه کاربری‌ها براساس نیازهای محله تأمین شده است.	کاربری اراضی	۰/۷۶۹	
	افراد غیرساکن شاغل در محله ما به محله ما احساس مسئولیت دارند.	مسئولیت‌پذیری	۰/۸۳۳	
	فعالیت افراد غیرساکن (در محور تجاری) سبب افزایش هم‌دلی و مشارکت افراد در مراسم‌های محله شده است.	مشارکت	۰/۶۲۰	
	قشرهای آسیب‌دیده محله (از نظر کالبدی) شامل حمایت‌های دولتی (وام و تسهیلات، بهسازی، نوسازی و غیره) می‌شود	حمایت	۰/۵۷۱	
	حقوق شهروندی ما توسط دولت/ مدیریت شهری (شهرداری) رعایت می‌شود.	حقوق شهروندی	۰/۴۵۸	
۲	تفاوت فرهنگی میان ساکنان محله کمتر است.	تفاوت فرهنگی	۰/۵۸۰	احساس تعلق مکانی
	در محله‌ام احساس امنیت می‌کنم.	ایمنی	۰/۸۲۶	
	از مسکن مناسبی در محله برخوردارم.	مسکن	۰/۳۷۴	
	زندگی در محله را با تمام مشکلات ترجیح می‌دهم.	انتخاب دوباره محله برای زندگی	۰/۶۰۶	
	در طرح‌ها و برنامه‌های محله از طرف شهرداری شفاف‌سازی می‌شود (بنرهای تبلیغاتی، سخنرانی در مساجد و غیره)	صداقت	۰/۳۱۲	
۳	تمامی گروه‌های سنی از تمامی فضاهای محله استفاده می‌کنند.	استفاده گروه از فضا	۰/۷۳۴	حقوق اجتماعی
	هیچ محدودیتی در استفاده از فضاهای محله ندارم.		۰/۶۷۵	
	هیچ‌گونه محدودیتی در استفاده از فضاهای آموزشی، بهداشتی-درمانی، فضاهای اوقات فراغت و فضای سبز سایر محله‌ها نداریم.	عدم محدودیت در فضا	۰/۶۱۰	
	در امور مختلف محله مشارکت می‌کنم.	ارتباطات همسایگی	۰/۵۵۹	
	در هر زمانی بخواهم در فضاهای محله حضور دارم.	حضور در فضا	۰/۸۱۱	
۴	فعالیت افراد غیرساکن (در محور تجاری) سبب ارتقای فرهنگی محله شده است.	فرهنگ	۰/۸۶۴	حقوق اقتصادی
	در محله هم‌زیستی مسالمت‌آمیزی با همسایگان دارم.	همزیستی	۰/۴۵۰	
	فعالیت تجاری (محور تجاری) شهید مدنی سبب ارتقای اقتصادی محله شده است.	محور تجاری	-۰/۴۲۴	
۵	به خدمات رفاهی و تفریحی محله دسترسی دارم.	خدمات رفاهی	۰/۷۰۳	دسترسی
	به امکانات بهداشتی-درمانی محله دسترسی دارم.	خدمات بهداشتی	۰/۴۴۶	
	افراد خانواده تحت پوشش بیمه هستند و دفترچه (تأمین اجتماعی، خدمات درمانی و غیره) دارند.	بیمه	۰/۷۶۳	
	به فضاهای سبز محله دسترسی دارم.	فضای سبز	۰/۵۳۲	
	به خدمات حمل‌ونقل عمومی محله دسترسی دارم.	خدمات حمل‌ونقل	۰/۵۱۱	
۶	آزادانه در گردهمایی‌ها مشارکت دارم.	آزادی	۰/۸۴۸	حقوق سیاسی

حقوق عمومی	۰/۴۹۵	خدمات آموزشی	به فضاهای آموزشی محله دسترسی دارم.	۷
	۰/۶۶۹	نیازهای روزمره	تمام نیازهای روزانه‌ام در محله تأمین می‌شود و نیازی ندارم به سایر محله‌ها مراجعه کنم.	
	۰/۷۶۳	خدمات تفریحی	برای اوقات فراغت از فضاهای عمومی محله استفاده می‌کنم.	
	۰/۴۵۹	فاضلاب	محله ما به سیستم فاضلاب شهری مجهز است.	
کارکرد شهرداری	-۰/۵۳۸	بهبودی	محله‌ام در مقایسه با گذشته بهبود یافته است.	۸
	۰/۵۸۸	نظارت	مأموران شهرداری بر ساخت‌وسازها در محله ما نظارت دارند.	
	۰/۸۱۲	پسماند	مأموران شهرداری زباله‌ها و پسماند محله را از درب منزل برمی‌دارند.	
	۰/۷۳۶	گزارش	ساخت‌وسازهای غیرقانونی در محله را به شهرداری گزارش می‌دهیم.	
	۰/۸۵۷	مسائل و مشکلات	تا زمانی که مشکلات محله به مرحله حاد نرسیده است، به شهرداری مراجعه نمی‌کنیم.	

### مجاورت بی‌معنا یا بایستی بودن سکونتگاه‌های مسئله‌دار

مجاورت بی‌معنا یا بودن در کنار شهر سبب تداعی ذهنیت‌های مختلفی به سکونتگاه‌های مسئله‌دار شده است. همان‌طور که گذشت، خوانش متن / فضا با معیارهای متن‌بودگی چون پیوستگی و انسجام، نیت یا هدفمندی، پذیرفتگی و پیام‌رسانی تحقق می‌یابد؛ همان‌طور که پیوستگی به اجزای سطحی فضا و عناصر ویژه ارتباط دارد. محله اسلام‌آباد عنصری با ارزش تاریخی ندارد، اما وجود مساجد که مرکز تمامی تصمیم‌گیری‌های محله‌ای است، در سازمان‌دهی کالبدی و پیوند فضایی محله مؤثر است. پیوستگی مطلوب ناشی از طراحی شبکه معابر و دسترسی مناسب امکان وقوع عملکرد و فعالیت‌های مختلف را در سطح محله تسهیل داده است، اما ضعف در شاخص‌های کالبدی، این سکونتگاه‌ها را در متن شهر آسیب‌پذیر می‌کند. چنانچه آمارها و بررسی وضعیت میدانی نشان می‌دهد، تفکیک زمین در این محله عمدتاً ریزدانه و بین ۰-۱۰۰ مترمربع بوده است. همچنین ۱۵ درصد از ملک‌ها نوسازی شده و عمدتاً با مصالح کم‌دوام و آسیب‌پذیر ساخته شده‌اند؛ بدین ترتیب گواه پیوستگی در متن / فضای مورد مطالعه بیانگر چیدمانی از ناپیوستگی است که در اصطلاح «یک‌شبه» و «خودساخته» تولید شده و در گذر زمان تاحدودی بهبود یافته است، اما ارتباط محتوایی و پیوند فضایی به‌ویژه در تقسیم نقش و عملکرد عناصر، هریک با پذیرفتن بخشی از کارکردهای تکمیلی محله در قالبی تکوین یافته‌اند. همچنین واجد ارزش شده و معناداری خاص را در خود محفوظ داشته‌اند. به‌ویژه اینکه هم‌نشینی عناصر در مقابل کاربری‌های مسکونی قابل تشخیص است و ارتباطات در محور ویژه (محور تجاری شهید مدنی، شهید دستغیب، خیابان پادگان، بلوار ۲۲ بهمن و غیره) تمرکز یافته و نقش آن را پررنگ کرده است.

در بررسی فرایند تکوین محله اسلام‌آباد در متن شهر، تغییرات ناگهانی و شتاب‌زده، تخریب‌های بولدوزری و از میان رفتن بخشی از واژگان و ارتباط فضایی میان آن‌ها مواجه بوده که تحقق اهداف بازیگران را نمایش می‌دهد. غافل از اینکه این محله تنها نمونه موفقی از سکونتگاه‌های مسئله‌دار است که توانسته از حاشیه به متن تبدیل شود؛ اهدافی که منافع شخصی را بر اهداف جمعی ترجیح داده و تفاوت جایگاه‌های شهروندی و

حمایت‌های زبانی، نشانگر تسلط گفتمان‌هایی است که طبیعی‌شوندگی در قالب مفاهیمی چون «فاصله میان ما و آنان» و «فاصله ادعا و عمل» را تحکیم بخشیده است. آنچه به‌عنوان سکونتگاه‌های غیررسمی در دانش تخصصی تلقی می‌شود، در نظر دانش عمومی پناهگاهی برای تحقق آرزوهای شهری شدن است. پیام ناشی از آن در چنین وضعیتی در قالب مفاهیمی مانند دوگانگی و تضاد، وضعیت زمین، ابهام در سرنوشت، تعارض منافع، عقب‌ماندگی، نادیده گرفته‌شدن، ضعف نظارتی و نبود امنیت معنا یافته است؛ مفاهیمی که زبان از رازهای مستتر در متن‌بودگی را نمایش می‌دهد. تفاوت نگاه‌ها، اثبات مالکیت‌ها و ارائه سند زمین، سوءمدیریت شهری، استفاده ابزاری، توان اعتراض نداشتن، دیده‌نشدن‌ها و رسیدگی نکردن‌ها، نظارت‌نداشتن، بی‌بهرگی، ناپایداری، غیرمجاز، حداقلی، نگرانی و استعداد آسیب‌پذیری اجتماعی از جمله موضوعاتی است که دانش / تجربه زندگی ساکنانی محسوب می‌شود که رشد یافته‌اند. تمرکز کاربری‌های تجاری در خیابان‌های اصلی و عملکرد فرامحلی آن‌ها (شهید مدنی و دستغیب) با وجود رشد اقتصادی، سبب از بین رفتن و به حاشیه رانده شدن ظرفیت‌های اجتماعی و فرهنگی ساکنان و تشدید جریان کالایی‌کردن فضا شده است. همچنین دسترسی به خدمات آموزشی، بهداشتی، حمل‌ونقل، هم‌جواری با محله‌های نسبتاً مناسب و غیره نشان‌دهنده امید و بهبودی‌هاست، اما گذر از مرکز به پیرامون محله گواه بی‌کیفیتی است. هرچند اقدامات اخیر توانمندسازی این محله‌ها را نمایش می‌دهد، گمان می‌رود عملکردها برای اهداف سوء از جمعیتی است که به‌دلیل ترس از اخراج‌شدن شرایط را پذیرفته‌اند. پیام ناشی از این محله‌ها در متن شهر عمدتاً پذیرش سرنوشت و زندگی با چنین وضعیتی است. فضاهایی که با فقر و نبود آگاهی شناخته شده‌اند و تلاش تحمیل‌گران برای طبیعی‌شوندگی و سرنوشت ابدی این سکونتگاه‌هاست.

### جدول 3. وضعیت معیارهای مؤثر در تولید متن / فضا در محله اسلام‌آباد

معیار	مفهوم	نگاه خام	موضوعات استخراجی
پیوستگی	کیفیت ابنیه	خودساخته، مصالح نامقاوم و شکننده (چوب، حلبی، گل و غیره)، ساخت‌وساز بدون مجوز	دارای مجوزهای ساخت‌وساز (پروانه ساخت)، ساکنان اغلب تجربه ساخت‌وساز دارند (اغلب بنا یا کاربلد هستند)، بناها از لحاظ کیفیت در وضعیت میدانی و آمار نگهداری می‌شوند، به‌کارگیری مصالح مقاوم و مهندسی نظارت.
	سلسله‌مراتب شبکه معابر	کوچه و خیابان‌های نامنظم	رعایت سلسله‌مراتب شبکه معابر به‌صورت شطرنجی
	عمر ابنیه	عمر بنا میانگین بین ۱۵ تا ۲۰ سال	اغلب عمر بنا ۲۵ سال است، اما بافت در حال نوسازی است.
	کیفیت زمین	ابعاد کوچک و ریزدانی	اغلب ریزدانی قطعات در معابر با عرض کمتر رؤیت می‌شود.
انسجام	ارتباط عملکردی عناصر ویژه	ارتباط عملکردی نسبتاً ضعیف عناصر ویژه (کاربری‌ها) در سطح محله	انسجام عملکردی و تمرکز محور تجاری با کارکرد فرامحله‌ای، مساجد به‌عنوان عنصر ویژه و محور ارتباطات و مراسم‌های مذهبی، رونق کسب‌وکار و فعالیت‌ها به‌دلیل تقاضای جمعیتی
پیام‌رسانی	دوگانگی و تضاد	تفاوت نگاه‌ها به محله‌ها، صرف‌نکردن سود حاصل از فعالیت‌ها در محله	تفاوت نگاه‌های اجتماعی و فضایی و تفاوت‌های وضعیت اقتصادی قابل‌مشاهده است، اما سود حاصل چه توسط ساکنان و چه غیربومیان به محله بازگشت داده نمی‌شود.
	نگرش‌ها	قانون‌گریز، بی‌نظم، تحصیلات کم، درآمد کم، تحمیل‌شده و اضافی، نبود وصلت اجتماعی با این افراد،	افراد قانون‌مدار، قشر ضعیف و نسبتاً کم‌درآمد، افراد ارتقایافته و تحصیل‌کرده (فرزندان)، وصلت اجتماعی با سایر ساکنان محله‌های شهر،

		نبود پذیرش به‌عنوان محله‌ای از شهر زنجان توسط برخی افراد، پرجمعیت و فرهنگ روستایی.	بهبودیافته و شناخته‌شده در شهر (به‌ویژه محور تجاری)
	وضعیت زمین	فاقد سندهای ثبتی و تصرفی، خرید و فروش قولنامه‌ای	دارای سندهای ثبتی، قولنامه‌ای و قابل معامله
	ابهام در سرنوشت	به‌نظر می‌رسد این سکونتگاه‌ها محصول ماندگار و بدون تغییر هستند.	ابهام به آینده محله، ترس از تخریب، ترس از آینده فرزندان
	تعارض منافع	اغلب استفاده ابزاری و مصرفی برای اهداف خاص	استفاده‌های تبلیغاتی (اسلام‌آبادی)، ابزاری و مصرفی (توجهات و شعارهای انتخاباتی مانند فرزندان اسلام‌آباد برای اخذ رأی)
	عقب‌ماندگی	بی‌توجهی مدیریت شهری، اعتراض‌ناداشتن، مراجعه‌نکردن مردم	پیگیری‌نکردن، ناآگاهی و اعتراض‌ناداشتن
	نادیده گرفته شدن	دیدن‌شدن، نبود موقعیت، رسیدگی‌نکردن	نبود مسئولیت‌پذیری، دارای موقعیت ویژه، فرصت دیده شدن
	ضعف نظارتی	«اینجا را همین‌جوری ول کرده‌اند»: نظارت‌ناداشتن بر ساخت‌وسازها	ضعف نظارت مدیریتی و اجرایی در محله
	امنیت‌ناداشتن	جرم و جنایت بالا بوده و معتاد زیاد است.	برای ساکنان امنیت داشته، اما برای دیگران ناامن است.
یا نیت هدفمندی	منافع شخصی نه خیر مشترک	تفاوت جایگاه شهروندان براساس دارایی‌ها و نوع شغل	تفاوت جایگاه‌ها به گذشته کمتر شده، اما هرکس به فکر خودش است.
	فاصله ادعا و عمل	حمایت از این سکونتگاه‌ها فقط زبانی است.	حمایت‌ها با توجه به جمعیت ساکن با ادعاها فاصله دارد. بودجه‌ها ناعادلانه توزیع شده، اما عوارض نوسازی پرداخت می‌شود.
	فاصله میان ما و آنان	دسترسی به امکانات آموزشی، بهداشتی-درمانی، فضای سبز، حمل‌ونقل عمومی، رفاهی و تفریحی	دسترسی به امکانات در سطح محله وجود دارد.
یا پذیرفتگی قبولی	بهبودی	عمدی‌بودن عدم بهبودی این سکونتگاه‌ها، توانایی و امید به تغییر، ضعف و ناتوانی	ناآگاهی از انواع حقوق، توانایی‌ها و رأی به افراد لایق
	اعتماد جمعی	جمع‌شدن برای بهبودی وضعیت محله، اعتماد مردم به یکدیگر، اعتمادناداشتن به دولت و مدیریت شهری	اعتماد ساکنان به یکدیگر بیشتر است. روابط همسایگی همچنان به رونق خود باقی است.
	روحیه مشارکت	شرکت در گردهمایی‌ها، مشارکت در امور محله، اینجا را ما درست کرده‌ایم.	حضور در گردهمایی‌ها و مشارکت در امور محله همچنان مشاهده می‌شود.
	امید	امید به ارتقای محله توسط مدیریت شهری و مردم، همین‌جا می‌مانیم، به محله‌های دیگر مهاجرت می‌کنیم، ماندن فایده‌ای ندارد.	امید به تغییر و ماندن توسط بعضی ساکنان و مهاجران جدید، چه امیدی می‌ماند وقتی نماینده شورای شهر محل سکونت خود را از اسلام‌آباد به سایر محله‌ها تغییر می‌دهد.
	ارزشمندی	ارزش سرمایه‌گذاری اقتصادی، ارتقای شهر، اعتمادبه‌نفس بالا و تأثیرگذاری	ارزشمندی سرمایه‌گذاری اقتصادی نه برای محله و ساکنان، بلکه برای افراد غریبومی و ثروتمند
	مشروعیت	نبود مشروعیت قانونی و مکانی برای دولت و مدیریت شهری	مشروعیت قانونی و مکانی، اما ضعف نظارت و رسیدگی
	حس تعلق	اینجا آرامش داریم، تمام دوران زندگی‌ام در این محله گذشته است.	اگر وضعیت اقتصادی‌ام خوب شود، از اینجا می‌روم. ضعف حس تعلق جوانان، حس تعلق بالا سالخوردگان

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹

## نتیجه‌گیری

امروزه مدیریت قدرت در تولید متن / فضا دلالت بر شکل‌گیری نظمی همراه با انتقاد است؛ زیرا نظم شکل‌یافته دلالت بر حقیقتی متفاوت از نظم آشکار دارد. این امر به‌ویژه در سکونتگاه‌های مسئله‌دار نوعی سکونتگاه غیررسمی است که اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا سکونتگاه‌های مسئله‌دار تجسم عینی نظم نهادی هستند که تحت مناسبات قدرت حقایق را آشکار نمی‌کنند. نظمی که ما در زندگی اجتماعی این سکونتگاه‌ها می‌بینیم، نمی‌تواند محصول هیچ طرح عقلانی باشد، بلکه نظم خودانگیخته است که با گذشت زمان، بافت موقعیتی و

دسترسی بازیچه ایدئولوژی‌ها و قدرت‌هایی شده است که سرنوشت این سکونتگاه‌ها را رقم زده است. بهبودی برخی متغیرها در محله اسلام‌آباد به‌عنوان نمونه موردی ناشی تغییر نگرش‌ها و توجه به این سکونتگاه‌هاست. چنانچه نتایج تحقیقات تولایی و همکاران (۱۳۹۳) نشان می‌دهد، تسهیلات رفاهی پایین‌تر از میانگین شهر، کیفیت نازل ساختار مسکن و غیررسمی بودن روند ساخت، بهداشت ناکافی، تراکم زیاد، سرانه‌های شهری اندک، مکان‌گزینی نامناسب، اقتصاد خانوار ضعیف و متکی به بخش غیررسمی اقتصاد و نبود امنیت تصرف، شاخص‌های کلی ویژگی‌های مشترک این سکونتگاه‌ها به‌شمار می‌روند، اما تقابل ساختارهای زبانی در قالب مفاهیمی، گواه مطالب دیگری است که استفاده ابزاری و طبیعی‌شوندگی نظم حاضر را نمایش می‌دهد. امروزه شهرداری‌ها، متولی آموزش شهروندان هستند و ادامه مستمر آموزش‌ها در جامعه ضرورت دارد؛ چراکه درنهایت اثرات منفی ناآگاهی مردم از فرهنگ شهرنشینی و شهروندی و ضررهای آن مستقیم به شهرداری برمی‌گردد. از سوی دیگر ضروری است شهروندان نیز درباره نحوه تعامل با حوزه شهری مطالبی را فراگیرند تا بتوانند شهری بهنجار داشته باشند؛ چراکه همه تعاملات شهری در فضای شهر صورت می‌گیرد و پیامدهای مثبت و منفی به‌نوعی دامن‌گیر شهروندان می‌شود؛ بنابراین شهرداری در حوزه خدمات‌رسانی خود به شهروندان و با تعامل درون‌سازمانی و برون‌سازمانی نهادهای ذی‌ربط می‌تواند آموزش‌های شهری و شهروندی را رونق داده و در زمینه‌های برنامه‌ریزی با نظام اطلاع‌رسانی صحیح، شهروندان را به مشارکت سوق دهد. دسترسی به انواع حقوق سبب بسط و گسترش توانایی‌های شهروندان، تقویت حس تعلق اجتماعی، تقویت حس اعتماد به نظام مدیریت شهری، ایجاد عدالت در برخورداری از فرصت‌ها و امکانات، ساماندهی و یکپارچه‌سازی امور شهروندان، تقویت ساختار شهروندی از طریق استقرار نظام حقوق تکالیف بین شهروندان و مدیران شهری، مشارکت‌جویی و افزایش میزان اثرگذاری شهروندان در بهبود امور شهری، تقویت بینش زندگی جمعی و احترام به نیازهای جمعی در مقابل فردگرایی، بسترسازی تعاملات هدفمند اجتماعی به‌منظور تثبیت حاکمیت می‌شود.

## منابع

- ۱) آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان انتقادی: تکوین تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی*، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲) آقاگل‌زاده، فردوس و علی افخمی (۱۳۸۳). «زبان‌شناسی متن و رویکردهای آن»، *زبان‌شناسی*، شماره ۱، ۸۹-۱۰۳.
- ۳) اطهاری، کمال (۱۳۹۰). «بررسی آرای هنری له‌فور: حق به شهر»، بازیابی از <http://www.isa.org.ir>
- ۴) تقوایی، علی‌اکبر، عزیزی، داوود و احمد یزدانیان (۱۳۹۴). «بررسی نقش نظریه حق به شهر در تولید و بازتولید فضای شهری»، *هفت شهر*، شماره ۴۹ و ۵۰، ۸۸-۹۹.
- ۵) تولایی، روح‌الله، اعظمی، محمد و کیومرث ایران‌دوست (۱۳۹۳). «شاخص‌های تعریف و تعیین سکونتگاه‌های غیررسمی در ایران»، *مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، ۶(۲۱)، ۴۳-۶۰.
- ۶) جوان، جعفر، دلیل، سعید و محمد سلمانی‌مقدم (۱۳۹۲). «دیالکتیک فضا از منظر لوفور»، *مطالعات جغرافیایی مناطق خشک*، شماره ۱۲، ۱-۱۷.
- ۷) شهرداری زنجان (۱۳۹۵). «آمارنامه شهر زنجان»، بازیابی از [www.Zanjan.ir](http://www.Zanjan.ir).

- ۸) شعله، مهسا (۱۳۹۰). بازآفرینی متن شهر با رهیافتی زبان‌شناختی، رساله دکتری، دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- ۹) صادقی، مجتبی، جوان، جعفر و محمدرحیم رهنما (۱۳۹۴). «فضای جغرافیایی چیست؟ درنگی بر سرشت فضای جغرافیایی از منظر پدیدارشناسی - هرمنوتیک»، فصلنامه مطالعات مناطق خشک، شماره ۱۹، ۱۶۹-۱۸۴.
- ۱۰) زبردست، اسفندیار (۱۳۹۶). «کاربرد روش تحلیل عاملی اکتشافی (EFA) در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای مورد پژوهی: سنجش وضعیت پایداری اجتماعی در کلان‌شهر تهران»، نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، شماره ۲، ۵-۱۸.
- ۱۱) فوکو، میشل (۱۳۷۸). *مراقبت و تنبیه: تولد زندان*، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نی.
- ۱۲) لشگری تفرشی، احسان، رضایی، محمدرضا و گلشن کاویان‌پور (۱۳۹۶). «تبیین نظری کارکردهای قدرت سیاسی در فضای شهری»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره دوم، شماره ۱۲۵، ۶۶-۵۲.
- ۱۳) لاینز، جان (۱۳۸۳). *مقدمه‌ای بر معناشناسی زبان‌شناختی*، ترجمه حسین واله، تهران: گام نو.
- 14) Amoussou, F., & Allagbe, A. A. (2018). Principles, theories and approaches to critical discourse analysis. *International Journal on Studies in English Language and Literature*, 6(1), 11-18.
- 15) -Beaugrande, R., Alain de & Dressler, Wolfgang U. (1981). *Introduction to text linguistics*. London: Longman.
- 16) Bayram, F. (2010). Ideology and political discourse: A critical discourse analysis of Erdogan's political speech. *ARECLS*, 7, 23-40.
- 17) Bloor, M., & Bloor, T. (2007). *The practice of CDA: An introduction*. Great Britain: Hodder Education.
- 18) Brenner, N., & Schmid, C. (2015). Towards a new epistemology of the urban? *City*, 19(2-3), 151-182.
- 19) Clarke, G. (1992). Towards appropriate forms of urban spatial planning. *Habitat International*, 16(2), 149-165.
- 20) Desmond, G. (1971). Impact of national and regional policies on urbanisation. In L. Jakobson, & V. Prakash (Eds.). *Urbanisation and national development* (pp. 57-79) Beverly Hills: Sage Publications.
- 21) Fairclough, N. (1996). *Critical discourse analysis*. Longman, London.
- 22) Fairclough, N. (1995b). *Media discourse*. London: Edward Arnold.
- 23) Foucault, M. (1986). Space, knowledge and power. In P. Rabinow (Ed.), *The Foucault reader* (pp.???) Harmondsworth, penguin.
- 24) Gregory, D. (1994). *Geographical imaginations*.???: Blackwell.
- 25) Halliday, M. A. K., & Ruqaiya, H. (1976). *Cohesion in English*. London: Longman.
- 26) -Habersack, S. (2010). *The lived space of the youth the social production and reproduction of urban space at night in Pune India*.???: University of Wine.
- 27) Howard, M. C. (2016). A review of exploratory factor analysis decisions and overview of current practices: What we are doing and how can we improve? *International Journal of Human-Computer Interaction*, 32(1), 51-62.
- 28) Hoselitz, B. (1957). Urbanization and economic growth in Asia. *Economic Development and Cultural Change*, 6(1), 42-54.
- 29) -Johnston, R. J. (1981). The dictionary of human geography. In???: Dictionary of human geography.???: Basil Blackwell.
- 30) Jahedi, M., & Abudullah, F. S. (2012). The ideological construction of Iran in the NYT. *Australian Journal of Linguistics*, 32(3), 361-381.

- 31) Jørgensen, M., & Phillips, L. (2002). *Discourse analysis as theory and method*. London-Thousand OaksNew Delhi: Sage Publications.
- 32) -Jain, M., & Korzhenevych, A. (2020). Urbanisation as the rise of census towns in India: An outcome of traditional master planning? *Cities*, 99, 102627.
- 33) Koussouhon, L. A., & Amoussou, F. (2016). A critical discourse analysis of Barak Obama's speech on climate change. A paper submitted for Togo XVII colloquium held in Lome in October.
- 34) Koussouhon, L. A., & Dossoumou, A. M. (2015). Political and ideological commitments: A systemic functionl linguistic and critical discourse analysis of President Buhari's inaugural speech. *International Journal of Linguistics and Communication*, 3(2), 24-34.
- 35) -Merrifield, A. (2006). *Henri Lefebvre: A critical introduction*.???: Routledge.
- 36)Melissa, N. P., & Johnson, E. M. (2020). *Discourse analysis*. In???: International encyclopedia of human geography (2<sup>nd</sup> ed.).???
- 37) Pacione, M. (2001). *Urban geography: A global perspective*. London: Routledge.
- 38) Parham, F. (2013). Gender representation in children's EFL textbooks. *Theory and Practice in Language Studies*, 3(9), 1674-1679.
- 39)Roy, A. (2009a). The 21st-century metropolis: New geographies of theory. *Regional Studies*, 43(6), 819-830.
- 40) Sheyholislami, J. (2004). *Critical discourse analysis*. Retrieved from <http://www.carleton.ca/cda.htm>.
- 41) -Storper, M., & Scott, A. (2016). Current debates in urban theory: A critical assessment. *Urban Studies*, 53(6), 1114-1136.
- 42) Todes, A. (2012). Urban growth and strategic spatial planning in Johannesburg, South Africa. *Cities*, 29, 158-165.
- 43) United Nations (UN). (2014). *World population prospects: Highlights*. New York: UN.
- 44) United Nations (UN). (2017a). *Urban governance, capacity and institutional development*. Quito:UN.United Nations Human Settlement Program (UN-Habitat). (2016). *Urbanization and development: Emerging futures. World cities report 2016*. Nairobi: UN-Habitat.
- 45) Van Dijk, T. A. (1991). Critical discourse analysis. In D. Tannen, H. E. Hamilton, & D. Schiffrin (Eds.), *The handbook of discourse analysis* (pp. 352-371). Oxford: Blackwell.
- 46) Wodak, R. (2002). Aspects of critical discourse analysis. *Azfal*, 36, 5-31.
- 47) World Bank (WB). (2015). *Uganda economic update: Fifth edition: The growth challenge:Can Ugandan cities get to work? Fact sheet*. Retrieved 23.05.2019 from <http://www.worldbank.org/en/country/uganda/brief/uganda-economicupdate-fifth-edition-the-growth-challenge-can-ugandan-cities-get-to-work-fact-sheet>
- 48) Watson, V. (2009b). The planned city sweeps the poor away ...: Urban planning and 21st century urbanisation. *Progress in Planning*, 72, 151-193.